

## برگزاری سومین کنسرت ارکستر آکادمیک تهران در تالار وحدت

## در جست و جوی اجرای متفاوت



[مانا لقمانی]

ارکستر آکادمیک تهران دهه اول مهرماه امسال به مدت سه شب در تالار وحدت به اجرای کنسرت موسیقی ایرانی پرداخت و این سومین برنامه ای بود که در طول یک سال اخیر توسط این ارکستر نوپا و نوازندگان جوان آن برگزار می شد.

اجرای موسیقی به صورت ارکسترال با ترکیبی از سازهای سنتنی و کلاسیک، توسط هنرمندان بزرگ ایران آغاز شد و ارکستر آکادمیک تهران با تکیه بر ۷۰ سال تجربه گذشتگان و آنچه به همت استادان خود آموخته است، در تیر ماه ۱۳۸۷ فعالیت خود را آغاز کرد این ارکستر پس از تمرین های بسیار، توانست نخستین برنامه های خود را در زمستان سال گذشته در تالارهای رودکی و وحدت با بهره گیری از اعضای جوان خود برگزار کند؛ اما اگر از حق نگذریم، این برنامه آخری با اجراهای گذشته این هنرمندان اصلا قابل مقایسه نبود. تأسیس ارکستر آکادمیک

تهران به همت دو هنرمند جوان از جمله امین سالمی و حمید خزاعی بود؛ امین سالمی متولد ۱۳۶۰ و دارای لیسانس موسیقی است. سالمی نوازنده و مدرس سنتور نیز هست و پس از دریافت کارت صلاحیت تدریس و آهنگسازی از مرکز آموزش فعالیت های هنری وزارت ارشاد، ارکستر آکادمیک تهران را تأسیس کرد و خود رهبری آن را به عهده گرفت. همچنین حمید خزاعی که متولد ۱۳۵۷ و کارشناس موسیقی است نیز به عنوان خواننده با ارکستر آکادمیک تهران همکاری دارد. کمی پس از تأسیس ارکستر، بابک شهرکی نیز به عنوان سرپرست اول گروه به آنان پیوست که خود نوازنده چیره دست ویولون و آهنگساز قابلی است.

ارکستر آکادمیک تهران که در آغاز کار خود را با کمتر از ۲۰ نوازنده شروع کرده بود، در برنامه اخیرش از ۲۰ نوازنده آن را همراهی می کردند که بسیاری از آنان کمتر از ۲۰ سال سن داشتند.

ضمن اینکه این ارکستر در برنامه ها و اجراهای خود از رهنمون های اساتید بنام موسیقی ایران

مانند مهندس همایون خرم نیز بهره می گیرد. بخش نخست کنسرت، ابتدا با اجرای قطعاتی از آثار مهندس همایون خرم مانند پیش در آمد و تصنیف جلوه رخسار و هیچ مگو آغاز که این دو قطعه از جمله آثار استاد همایون خرم به شمار می آید که تا کنون اجرای صحنه ای نداشته است و اجرای این قطعات با حمایت مهندس خرم صورت گرفته است و برنامه سپس با تصنیف بهار دلنشین ادامه یافت. پس از این اجراها نیز قطعه انتظار به صورت پیش در آمد و تصنیف از ساخته های نوازنده و آهنگساز جوان بابک شهرکی اجرا شد. شهرکی آثار زیادی را در کارنامه هنری دارد؛ اما می توان این قطعه را یکی از زیباترین ساخته های وی دانست. تصنیف وطن به آهنگسازی موسیو لومر نیز در پایان بخش اول برنامه به زیبایی اجرا شد. ارکستر آکادمیک بر اساس تئوری ارکسترهای تلفیقی ایرانی - کلاسیک تشکیل شده است و با نگاهی به ترکیب و سازبندی این بار ارکستر آکادمیک تهران، به خوبی می توان دریافت که سازبندی این ارکستر



شبهه به سازبندی ارکستر ملی طراحی شده بود. با این تفاوت که سازهای بادی برنجی، چنگ و بالابان را به این ترکیب افزوده بودند و در واقع اجرای این ارکستر با ترکیبی از سازهای ایرانی و کلاسیک شکل گرفته بود.

بخش دوم را با تصنیف خاطره انگیز سرگشته به آهنگسازی همایون خرم آغاز کردند و سپس قطعه بدون کلام پانیز بر اساس ملودی آذری ساری گلین نواخته شد. ملودی ساری گلین از جمله ملودی های زیبایی است که شنیدن آن چه با کلام و چه بدون کلام، هر یک شیرینی خاص خود را دارد و هر بار به هر دو صورت که اجرا می شود، به هر حال بسیار جذاب و شنیدنی است. تصنیف دام عشق نیز بر اساس ملودی معروف آذری آریلق اجرا شد و سپس تصنیف خزان عشق که البته در مورد این تصنیف، انتظار اجرای بهتری می رفت. قطعه مه ناز از پویان کابلی و دو تصنیف سیایش و بارسه از امین سالمی رهبر ارکستر نیز از اجراهای پایانی برنامه بودند.

در کل یکی از محاسن ارکستر آکادمیک

تهران ارائه یک کار گروهی موفق است و انتخاب قطعات متفاوت و متنوعی که برای مخاطب با هر اندازه آشنایی با موسیقی ملال آور نباشد. اگر بخواهیم اجرای اخیر ارکستر آکادمیک تهران را با دو اجرای گذشته مقایسه کنیم، باید آن را پیشرفتی در کار این ارکستر بدانیم که البته انتظار می رود در اجراهای آینده شاهد پیشرفت های بیشتری در کار آن باشیم. این ارکستر در عین حال دارای معایب چشمگیری نیز هست که گاه سبب ملال آور شدن برنامه برای مخاطب می شود. یکی از این ایرادها صحبت ها و توضیحات اضافه در حین اجرای برنامه است که اگر هم نیاز به مطرح کردن آن در برنامه باشد، قطعا در پایان برنامه نماینده گروه فرصت کافی برای این کار خواهد داشت. نکته دیگر اهمیت کلی وجود خواننده در هر ارکستری است که وقتی گروهی به عنوان ارکستر با هر تعداد روی صحنه ظاهر می شود، مطمئناً تک افرادی که اجرا دارند، در کیفیت کار ارکستر مؤثرند و دارای اهمیت هستند. بنابراین نقص در کار نباید در

ارکستر آکادمیک تهران که در آغاز کار خود را با کمتر از ۷۰ نوازنده شروع کرده بود، در برنامه اخیر پیش از ۲۰ نوازنده آن را همراهی می کردند که بسیاری از آنان کمتر از ۲۰ سال سن داشتند

یک از آنان به کار گروه آسیب می رساند. معمولاً در همه دنیا اگر اثری که ساخته می شود با کلام باشد نتیجه کار برای مخاطبان به نام خواننده شناخته می شود. متأسفانه در این کنسرت ارکستر آکادمیک صدای خواننده گروه، حمید خزاعی در ابتدای برنامه خوبی شنیدنی شد که خود علت آن را سرماخوردگی عنوان کرد. به هر حال هنرنوعی در گزینش آثار موسیقی چه از دیدگاه هنری و چه از دیدگاه فنی صورت می گیرد. در سالن های موسیقی معمولاً هنرنوع موسیقی با کیفیتی اجرا نمی شود. گروه ها و هنرمندانی به تالار وحدت راه می یابند که کارشان از جهت کیفیت اجرا و رعایت اصول فنی قابل پذیرش باشد. از طرفی هم بحث اجرای ارکستری که پیش می آید، هماهنگی در ساختار ارکستر حرف اول را می زند و بنابراین کیفیت کار نوازندگان و شیوه نوازندگی آنان، ساختار قطعات اجرایی، تنظیم و رهبری بسیار اهمیت دارد.

حتی در صدا و سیما نیز روال به همین شکل شده است. به یاد دارم سه یا چهار سال پیش جناب آقای ضرعانی در جلسه ای مشترک با مدیران بنیاد بیان کردند اتاق فکر و کارشناسی دفاع مقدس در زمینه های تولید برنامه های تلویزیونی و موسیقی و ... در بنیاد حفظ آثار موجود است، ولی حتی یک تهیه کننده و یا آهنگساز تا به حال جهت دریافت سیاست بنیاد در زمینه شعر و موسیقی و در جهت تولید اثر نظر کارشناسی نخواسته است!

حتی ما برای ساخت موسیقی مقاومت خود از آهنگ های تکراری غربی استفاده می کنیم که جای بسی ناامیدی دارد و حال که به خروجی ها می نگریم خیلی هم دندانگیر نیست، حتی برخی از کارها را جمع به شهید و دفاع مقدس نیست.

پرویز خسته پور اولین آهنگساز بود که بدون سفارش در زمان جنگ آثار جبهه را برای اجرا با پیانو تنظیم کرد و در دانشگاه صنعتی شریف روی صحنه آورد چون معتقد بود این آثار از زیباترین ملودی های جنگ خواهد بود.

چرا از چنین کسانی که در موسیقیایی کردن نواهای جبهه اقداماتی کرده اند بهره گرفته نشده است؟ همان کسانی که قبلاً در روزنامه ها به دنبال احقاق حق موسیقی دفاع مقدس بودند حالا که خود مسئول اجرایی حوزه موسیقی کشور هستند حتی به خواسته های خود جامه عمل نمی پوشانند.

در صورتی که موسیقی دفاع مقدس سهم فوق العاده زیادی در آشنایی عمومی با ارزش های دفاع مقدس دارد و اگر با برنامه ریزی پردازش شود حتی در روند شکل گیری سینما و تئاتر دفاع مقدس نیز مؤثر است و می توان گفت این نوع موسیقی در تمام رشته های هنری جای خود را باز کرده است.

و حالا میدان تولیدات حرفه ای آثار فاخر موسیقی حماسی و دفاع مقدس کم رنگ و محدود شده است و امروزه موسیقی مقاومت جایش را به حاشیه یادواره ها و سالگردها سپرده است و جای آن را موسیقی وارداتی پر کرده که هنر بزرگ موسیقی مقاومت ما را جدا کرده می کند. بد نگاه عمیق و متفکرانه به گذشته و استواری و دقت در شرایط کنونی و چشم انداز پر نشاط آینده، باید به سوی امید و بزرگی رفت. این شرایط ماست و هنرمندان که از پیشتانان فکری هر جامعه محسوب می شوند همین راه را می پیمایند.

\* مدیر موسیقی نواهای حماسی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

می شد و تولیدات آن تکراری بود هنر است؟ آیا باید بدون امکانات فقط جشنواره برگزار کنیم؟ ابتدا باید، عرصه موسیقی دفاع مقدس را برای جوانان به زبان روز موسیقی و با حفظ شتون فرهنگ ایرانی و سنت اسلامی معرفی کنیم و پس از آن که دهه ها و صدها اثر فاخر و ارزشی تولید کردیم جشنواره برگزار کنیم. افسوس که بودجه و امکانات در اختیار نهادهایی قرار گرفته که حتی جهت برگزاری جشنواره های معمولی در داخل نیز نظرات و خواسته ها و نیازهای مدیران بنیاد را جویا نمی شوند!

پس از گذشت ۲۰ سال از دفاع مقدس حتی یک اثر فاخر راجع به سرداران شهید از جمله همت ها، باکری ها، خرازی ها و باقری ها نداشته ایم که آن موسیقی بتواند تداعی کننده شخصیت ها و سرداران ما باشد چرا برای جنگ در دریا یا مقاومت در منطقه کوهستانی کردستان و یا رشادت های هر منطقه موسیقی خاص همان جا را نداشته ایم.

زبان موسیقی راحت ترین و بین المللی ترین زبان انتقال فرهنگ و تمدن و حتی رشادت های سرداران دفاع مقدس ما برای صادر کردن به اقصی نقاط جهان است که نیازی به ترجمه ندارد.

بارها انواع کنسرت موسیقی و اجراهای زنده موسیقی دفاع مقدس حمایت نشده است.

به ما می گویند چرا سراغ فلان آهنگساز سمفونی نمی روید؟

اگر نیاز یک درصد مردم ما به تولید و ساخت سمفونی های مختلف و گاهی تکرار شونده و خسته کننده آن هم با بودجه های بسیار زیاد و هنگفت است، بیش از ۵۰ درصد جوانان و مردم ما که اغلب آنها از خانواده های ایثارگران و شهدا و جانبازان و دیگر عامه مردم هستند به موسیقی پر انرژی که ایجاد هیجان کند و یادآور رشادت های رزمندگان ماست، نیاز دارند.

باید بودجه را به جوانان و نوجوانان در مدارس، دانشگاه ها، مساجد، گروه های تواشیخ و سرود بدهیم و از آنها بخواهیم با توجه به نیازشان اثر تولید کنند و آنگاه جشنواره برگزار کنیم. حال وقت آن است پیوندی برادر گونه میان موسیقی وزارت ارشاد و صدا و سیما و رزمندگان و سرداران صورت گیرد، چرا که شعائر انقلاب ما انقلاب فرهنگی است. البته من با وزارت ارشاد مشکلی ندارم و این عدم تمایل مدیران و مسئولان فرهنگی هنری به مسائل دفاع مقدس و نشر ارزش های دفاع مقدس و فرهنگ شهادت ریشه در بیراهه رفتن هاست.

## زبان موسیقی، راحت ترین

## و بین المللی ترین زبان انتقال فرهنگ و تمدن و حتی

## رشادت های سرداران دفاع

## مقدس ما برای صادر کردن

## به اقصی نقاط جهان است که

## نیازی به ترجمه ندارد

## نیازی به ترجمه ندارد

برگزاری جشنواره های مقاومت و صرفاً دفاع مقدس که مثلاً ۷ دوره آن برگزار شده با حضور گروه های درجه سه و چهار گروه های محلی آن هم بدون حمایت قبلی و برنامه ریزی های بعدی دردی از موسیقی دفاع مقدس و حماسی دوا نمی کند. درد دل گروه های موسیقی نظامی و به قول خودمان مارشی که در نهاد های نظامی وجود دارد نشان دهنده کارهای غیر اصولی در چند سال پس از جنگ بوده و عدم حمایت مالی و معنوی حوزه های تخصصی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باعث شده که گروه درجه یک مارشی کشورمان برخی از سرود های ملی کشورها را که با حضور رؤسای جمهوری و مقامات کشورهای مختلف اجرا می شود با تغییرات و به صورت غیر استاندارد بنوازند.

در دوران جنگ تحمیلی دیده شد که از وجود سربازان وظیفه در برخی از این گروه ها استفاده می شد و در عوض نوازندگان درجه یک کشور در زمینه موسیقی نظامی و مارشی به دلیل عدم حمایت دل سرد شده و به روزمرگی گرفتار شده اند و بوضوح می توان حفظ آثار و یا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرسیده که چند اثر فاخر موسیقی از سال ۶۸ تا به حال تولید شده است؟ که متأسفانه پاسخ آن را زور به تعداد انگشتان دستان می رسد.

جمع آوری آثار و تولیدات دهه ۶۰ تا

به حال خدمتی بزرگ به عرصه موسیقی دفاع مقدس به شمار می رود. چقدر تا کنون

توانسته ایم در این زمینه موفق باشیم؟

برخی از مدیران موسیقی کشور به

موسیقی دفاع مقدس نگاه جدی نداشته

و تمایلی به همکاری در زمینه جشنواره

موسیقی فجر ندارند. جای دارد که پس از

گذشت ۲۰ سال از جنگ فکری کنند تا اولاً

هنرمندان موسیقی حماسی و دفاع مقدس

معرفی شوند و ثانیاً تولید آثار فاخر را لاقبل

ولی برگزاری جشنواره ای که در ۲ سال برگزار

خود ما مشاهده کنیم.



## پرده های زیبای حماسه

در زمان جنگ برخی گروه های موسیقی هم در پشت خط مقدم جبهه برنامه اجرا می کردند مثل آقای رشید وطن دوست و تعدادی از خواننده ها که با وجود بمباران هوایی منطقه، گروه در حال نوازندگی و خوانندگی بود و در لحظه آخر کار را رها کردند اما هیچ حمایتی از سوی مسئولین امر در جهت ماندگاری آثار ایشان نشد.

می گویند بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ارگانی حمایتی است آن هم با بودجه اندک، ولی با آن همه بودجه

میلیاردی که صرف موسیقی های مختلف و جشنواره های تکراری می شود آیا هیچ یک از مسئولین امر همچون متولیان موسیقی صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و حتی بنیاد حفظ آثار و یا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرسیده که چند اثر فاخر موسیقی از سال ۶۸ تا به حال تولید شده است؟ که متأسفانه پاسخ آن را زور به تعداد انگشتان دستان می رسد.

جمع آوری آثار و تولیدات دهه ۶۰ تا

[صادق دریایی فرد\*]

هنر به عنوان نهادی ذاتاً انسانی، که همواره با بشر همراه بوده، از اجزای ساختاری و قطعی یک جامعه پویا، با نشاط و خردمند است. بخصوص در جوامعی که دارای پیشینه عظیم فرهنگی، علمی و مدنی است. جامعه ای که در عصر بی خبری و حیرت، برای همه ابنا بشر پیام ویژه ای دارد. پیامی آسمانی برای تمام انسان های معاصر. برای ثبت در تاریخ و جاری شدن در همه زمان ها و همه مکان ها، هیچ پیامی نخواهد ماند مگر خود را به رایحه مقدس و زیبای هنر بسپارد.

نواهای حماسی و موسیقی دفاع مقدس یا موسیقی مارشی را باید به ۳ دوره تقسیم کنیم:

۱. قبل از جنگ، ۲. حین جنگ و ۳. بعد

از جنگ

در همین ابتدا سؤال می کنم؛ ما قبل از جنگ در زمینه موسیقی چه کرده ایم و چه تولیداتی داشته ایم؟ در حین جنگ چه نواهایی جوانان سرفراز و شجاع ما را به سوی جبهه های نبرد حق علیه باطل کشاند چه نوع شعر و موسیقی ای با هم تلفیق شد که این همه انگیزه برای جانفشانی صورت گرفت؟ آیا خدای ناکرده اگر الان اتفاقی بیفتد ما اثر موسیقی یا نوایی داریم تا در جوانان شور و انگیزه ایجاد کنیم؟

و حال که جنگ تمام شده و ۲۰ سال از آن گذشته ما چه مقدار تولید فاخر موسیقی داشته ایم یا اصلاً از آثار فاخر زمان جنگ چه آثاری را ماندگار و یا ثبت در سازمان ملل نموده ایم؟

با وجود آثار ارزشمندی که در سال های دوران دفاع مقدس در حوزه سرودها و ترانه های حماسی ساخته شد، اما هنوز پس از گذشت ۲۰ سال از پایان جنگ، اقدام جدی در زمینه گردآوری، شناسایی منابع و به طور کلی تهیه شناسنامه آثار دیده نمی شود.

در آن زمان حتی بعضی از آهنگ ها توسط تدوینگران تصویری صدا و سیما به عنوان موسیقی دفاع مقدس در بین عموم مردم جا افتاد. یعنی یک موسیقی که برای یک موقعیت دیگری اجرا شده بود بر روی تصاویر جنگی پیاده کردند و به موسیقی جنگ معروف شد، مثل تصنیف «اندک اندک جمع مستان می رسند» ساخته آقای ذوالفقون به خوانندگی آقای نظری که با یک کار تدوینی زیرکانه در صدا و سیما به عنوان موسیقی جنگ جا افتاد. البته در اشاعه مثبت برخی از اشعار و آثار موسیقی دوران جنگ می توان گفت: برخی از این قطعات با این که کار چند ساعته بود ماندگار شد، شعر همیای جلودار به خوانندگی آقای سراج رانیز می توان به عنوان یکی از آثار ماندگار در کل جنگ نامید.